

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۹ جون ۲۰۱۹

## تهدید آشکار دادگاه کیفری جهانی لاهه، توسط امپریالیسم امریکا

به‌گوش خوش‌آیند است که جنایتکاران باید محاکمه شوند، به‌گوش خوش‌آیند می‌آید که عدالت گسترده باید در سراسر جهان برقرار شود. شما کسی را پیدا نخواهید کرد که آشکارا مدافع ستمگران باشد، حتی خود ستمگران نیز صلاح در این می‌دانند علیه ستمگری سخنان غرا گفته و مقالات طویل بنویسند. همه ستمگران از تساوی حقوق انسانها صحبت می‌کنند و به این اصل صوری و بی‌بو و خاصیت اعتقاد واثق دارند زیرا به گفته آناتول فرانس فقیر و غنی هر دو از این حق یکسان برخوردارند که شب‌ها با شکم گرسنه در زیر پل بخوابند. "هیچ کس" آشکارا مخالف احترام به حقوق بشر نیست، "هیچ کس" به صراحت از شکنجه دادن انسانها و سوزاندن آنها حمایت نمی‌کند، ولی جهان ما به جهانی تبدیل شده که حقوق بشر در آن مستمراً نقض می‌شود، شکنجه در همه جا با تعاریف و محدودیتهای متفاوت برقرار است و عدالت آنقدر بی‌بنیه است که قادر نیست به‌خود تکانی دهد، چه برسد به این که گسترش دامنه‌دار یابد. در تمام عرصه‌های بالا امپریالیستها و دموکراسی‌های بورژوائی بیش از سایر کشورها عوامفریبی می‌کنند.

برای دونالد ترمپ تحریم اقتصادی ایران و یا ونزوئلا و کوبا جنایت علیه بشریت نیست، برای نتانیاو محاصره و قتل عام مردم نوار غزه و تاراندن و کشتار میلیونها فلسطینی، جنایت علیه بشریت نیست، برای جرج بوش کشتار نیم میلیون کودک عراقی در اثر تحریم و بی‌دوائی و بی‌غذائی جنایت علیه بشر نبود. گوانتانامو و ابوغریب دو نوع بازداشتگاهی هستند که انسانها را بدون دارا بودن کوچکترین حقوقی مانند بردگان در آنها به اسارت گرفته و شکنجه داده‌اند. امپریالیسم امریکا زندانیان سیاسی را در رومانی؛ پولند و بالتیکم شکنجه داده و گوانتانامو را در بخش اشغالی خاک کوبا برپا کرده است تا از نظر "حقوقی" همه چیز بی‌خطر باشد و دونالد ترمپ بتواند سوگند یاد کند که در خاک امریکا کسی را شکنجه ندادند. جنایات ضد بشری امپریالیسم امریکا را در کشور کوریا؛ ویتنام؛ کامبوج؛ لائوس؛ اندونزی؛ عراق؛ افغانستان؛ لیبیا؛ ایران؛ ونزوئلا و سراسر امریکای لاتین و افریقا را از یاد ببریم. آنها در حالی که نوک زبانی، حقوق بشر را بر لب دارند با خنجرهای خویش زبان هر معترضی را می‌پزند.

وقتی ویتنامی‌های قربانی بمبهای کیمیائی امریکا از جمله ناپالم؛ سفسر و گازهای سمی در ویتنام، که بر اساس همه موازین بین‌المللی استعمال آنها جنایت علیه بشریت محسوب می‌شد در ایالت نیویورک به‌دادگاه مراجعه کردند تا خسارت دریافت کنند، وزیر وقت دادگستری امریکا به قوه قضائیه رسماً ندا داد که از دادن رأی به نفع ویتنامی‌ها خودداری کند، زیرا که این امر نه تنها عواقب عظیم مالی برای امریکا دارد، بلکه اجرای سیاستهای خارجی دولت امریکا را نیز

تضعیف می‌کند و علیه امنیت ملی امریکا است. آنوقت دادگاه "بی‌طرف" نیویورک حکم داد که نمی‌توان ثابت کرد که سوختن آدمها؛ جنگلها؛ به‌دنیا آمدن کودکان فلج و علیل ناشی از سلاحهای کیمیاوی امریکائی بوده است.

پس روشن است که این سخنان خوش‌آیند تا زمانی که تضمین اجرایی نداشته باشند، حرف مفت هستند. تضمین اجرایی زمانی وجود دارد که اگر یک قاتل خاطی به مقاومت دست زد، نیروئی باشد تا وی را سر جای خود بنشانند و حش را کف دستش بگذارد.. کسانی که خودشان تا آرنج دستان آغشته به‌خون دارند، نمی‌توانند قضاوت خوبی باشند و برای تحقق حقوق بشر؛ تساوی حقوق اجتماعی انسانها و عدالت گسترده اجتماعی و... مبارزه کرده و خود را نمایندگان تحقق این ارزشها جا بزنند. هر ساله هزاران نفر در بحیره مدیترانه غرق می‌شوند، زیرا ممالک امپریالیستی که خود مسبب این فرارها و مهاجرتها در اثر غارت و چپاول این کشورها هستند، نمی‌خواهند عواقب سیاستهای استعماری خویش را بپذیرند. آنها ولی در بلندگوهای خویش از "ارزشهای جهان غرب" و این که گویا آنها "مجمعی از باورمندان به این ارزشها" هستند سخن می‌گویند.

البته بسیار انسانی و مترقی است که دادگاهی در جهان به جنایات قلدرها و زورمندان و در دفاع از ضعفا اقدام کند. دادگاه کیفری جهانی لاهه را نیز به این بهانه به وجود آورده‌اند ولی کار این دادگاه رسیدگی به جنایات علیه بشریت نیست، بلکه یک ابزار استعماری امپریالیستهای اروپائی است تا خدمت مخالفان خویش در سایر ممالک برسند. این که رؤسا و رهبران کشورهای مورد اتهام می‌توانند تبهکار باشند غیرممکن نیست، ولی تبهکاری آنها تا موقعی که منافع امپریالیسم را تأمین می‌کنند، قابل اغماض است، اما زمانی که آنها به مقاومت در مقابل مصالح انحصارات و دخالتهای امپریالیستی برمی‌خیزند، آنگاه بزرگترین جنایات تاریخ را انجام داده‌اند و باید آنها را محاکمه کرد. سلویدان میلسویچ رئیس جمهور یوگسلاوی را به اسارت گرفتند، زیرا حاضر نبود به استقلال کشورش خیانت کند. امپریالیستها و در رأسشان امپریالیسم المان وی را در یک دادگاه تقلبی محکوم کرده و او را در زندان لاهه که تحت مراقبت دائم بود، کشتند و به زبان خودشان سکتۀ قلبی‌اش دادند.

مهمترین وظیفۀ دیوان لاهه رسیدگی به جرایم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایت جنگی در مواردی است که پیگیری این جرایم در سطح ملی انجام نگیرد.

امریکا و اسرائیل از کشورهایی هستند که اساسنامه دیوان بین‌المللی را امضاء کرده بودند، اما بعدا آن را پس گرفتند. علت این اقدام نگرانی از محاکمه نظامیان این کشورها که در خارج از مرزهای خود در عملیات نظامی درگیر بوده و مرتکب جنایات شده‌اند، ارزیابی می‌شود. یعنی آنها به این امر واقفند که مرتکب جنایات جنگی می‌شوند.

این دادگاه به سران کشورهای افریقائی هجوم آورده تا مخالفان خود را از سر راه بردارد، به طوری که این اقدام دخالت‌گرانه و گزینشی و نژادپرستانه؛ اعتراض اتحادیه کشورهای افریقائی را برانگیخت. آنها بدرستی اشاره می‌کردند که گویا این دادگاه قصد دارد تنها افریقائیها را محاکمه کند. کشورهای افریقائی جنوبی، برونودی و گامبیا خواست خروج خود را از این دادگاه اعلام داشتند. روسیه نیز خواست خروج از این دادگاه را مطرح کرد. اتحادیه افریقا از کمیته خود در امور مربوط به دادگاه بین‌المللی جزائی خواست «ستراتژی جمعی» جهت خروج از دادگاه بین‌المللی جزائی را تدوین کند. این کمیته در جلسه ۱۱ اپریل خود سه شرط اتحادیه افریقا را برای پرهیز از درخواست خروج از دادگاه بین‌المللی جزائی مشخص کرد. یکی از این شروط مصونیت رؤسای کنونی کشورها و مسوولان ارشد دیگر از پیگرد در دادگاه بین‌المللی جزائی است. فعالیت کمیته اتحادیه افریقا در امور دادگاه بین‌المللی کیفری آخرین تحول در واکنش منفی بعضی از رهبران افریقا علیه این دادگاه است که به اقدامات ناعادلانه این دادگاه در افریقا اشاره می‌کنند. این واکنش منفی نخستین بار پس از صدور حکم جلب رئیس جمهور سودان عمر البشیر در سال ۲۰۰۹ به اتهام ارتکاب

جنایات‌های جدی در دارفور اوج گرفت و در سال ۲۰۱۳ زمانی شدت یافت که متهمان دادگاه بین‌المللی جزائی یعنی "اوهورو کنیاتا" و "ویلیام روتو" به ترتیب به‌عنوان رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور کنیا انتخاب شدند. این دادگاه حکم جلب نتانیاهو را به علت جنایات علیه بشریت صادر نمی‌کند. تا کنون چندین بار این دادگاه "بی‌غرض" بر جنایات امریکا و اسرائیل و اروپائی‌ها در افریقا و از جمله در منطقه دارفور در سودان چشم پوشیده است. آش این سوء استفاده به قدری شور است که دادگاه استعماری لاهه مجبور شد اعلام کند: "تحقیقات جاری در باره جنایات‌های ارتكابی در گرجستان و پیشرفت‌هایی در تحقیقات ابتدائی از جمله در افغانستان، فلسطین، اوکراین و عراق/بریتانیا، سمت و سوی دادستانی دادگاه بین‌المللی جزائی را در تحقیقات آینده نشان می‌دهد. این گام‌ها مشخص می‌کنند که دادستانی از اعمال صلاحیت خود در مورد جنایات‌های بین‌المللی در حیطه صلاحیت خود عقب نخواهد نشست، حتا اگر این جنایات‌ها را افرادی مرتبط با قدرت‌های اصلی جهان، همچون ایالات متحده امریکا، اسرائیل، روسیه یا بریتانیا، مرتکب شده باشند. ما به دفاع از دادستانی و دادگاه بین‌المللی جزائی به‌طور کلی در انجام این تحقیقات ادامه خواهیم داد." این سخنانی بود که گندمتر از دهان مسؤولان این دادگاه بود.

کسی نمی‌تواند به این دروغهای دادگاه لاهه که برای سرکوب ضعفا و دفاع از منافع استعماری امپریالیسم اروپائی است اعتماد کند.

شهروندان افغان که فریب فریبکاریهای این دادگاههای جهانی امپریالیستی را خورده بودند، در باره شکایت خود از جنایت جنگی امریکا نوشتند: "به‌عنوان مدافع حقوق بشر فعال در افغانستان، پیمای حیاتی برای شما به همراه آورده‌ام. پس از سال‌ها درگیری مسلحانه و رسیدگی طولانی مقدماتی در دادگاه بین‌المللی جزائی، اکنون آماده پاسخ‌گویی شده‌ایم. گاهی دادگاه به‌عنوان آخرین راه چاره ضروری است و این یکی از آن موارد است.

ما از این خبر که تحقیقات تمام عیار دادگاه بین‌المللی جزائی در افق دید است، امید یافته‌ایم."

حال این نمایندگان باید از خواب غفلت بیدار شوند. تردیدی نباید داشت که تنها قدرت‌مندان و سنگدلانی که حاضر به همکاری با امپریالیستها نیستند از دادگاه بین‌المللی جزائی هراس دارند، وگرنه جنایتکاران امپریالیسم و همدستان تیهکار آنها کوچکترین باکی از تصمیمات این دادگاههای قلابی ندارند. این دادگاهها فقط برای فریب افکار عمومی است. حال به وعده دادگاه به شاکیان افغان مراجعه کنیم.

نشریه زود دویچه سایتونگ در شماره ۲۷/۲۸ اپریل ۲۰۱۹ تحت عنوان "شکایت‌هایی در باره دادگاه لاهه" نوشت که: "از سالها پیش مقامات دادگاه جهانی کیفری در برابر تهدیدات گوناگون ایالات متحده امریکا مقاومت می‌کردند. ابتداء در آغاز اپریل این تهدیدات شدت یافتند. حقوقدانان در لاهه که بررسی‌های مقدماتی مربوط به جنایات جنگی احتمالی امریکا در افغانستان را پیش می‌بردند، با هشدار جان بولتون John Bolton مشاور ملی امنیت دونالد ترمپ، که آنها را مورد تحریم قرار می‌داد، روبه رو شدند. قضات و دادستانهای بین‌المللی اگر از فعالیتشان دست برندارند، باید با ممنوعیت سفر به امریکا حساب کنند. حسابهای شخصی آنها در بانکهای امریکائی مسدود می‌گردد و ما آنها را از طریق دادگاههای کیفری امریکا تحت پیگرد قرار خواهیم داد."

در اثر تهدید و فشار امریکا دادگاه جهانی کیفری لاهه تسلیم شد و حال به استدلال مسخره قضات "شرافتمند و بی طرف" دادگاه لاهه توجه کنید. زوددویچه‌سایتونگ می‌نویسد: "حال در لاهه تصمیمی اتخاذ شده که مطابق میل بولتون است و بررسی‌های مربوط به افغانستان متوقف شده است. دلیلش "اجرای عدالت" است. به این ترتیب سه قاضی اتاق بررسی‌های اولیه دادگاه کیفری جهانی در تاریخ ۱۲ اپریل تصمیم گرفتند که سوء ظن نسبت به جنایات جنگی در افغانستان را پیگیری نکنند."

افغانستان که عضو دادگاه کیفری جهانی است و به این دادگاه مراجعه کرده است تا به جنایات امریکائی‌ها در افغانستان رسیدگی کند دست از پا درازتر باید به خانه خود برگردد. دادگاه قادر نیست حقوق اعضای خود را تأمین کند. این وضعیت مضحکی هست که پیش آمده است. اروپای امپریالیسم که خودش در همه این جنایات سهیم است و جنایات علیه بشریت در فلسطین توسط اسرائیل و یا سوریه توسط داعش و ناتو در افغانستان و... را پرده پوشی می‌کند، قادر نیست در مقابل زورگویی امریکا عرض اندام کند، زیرا دستان خودش نیز به خون و چرک آلوده است. به همین جهت علی‌رغم افسارگسیختگی امریکا، آنها با وی در بسیاری عرصه‌ها هم زیانند نظیر دخالت در ونزوئلا و به همین جهت این وقاحت و چموشی امریکا را زیر سبیلی رد کرده و سرو صدای آن را خوابانند تا افکار عمومی به این وضعیت قلدنمنشانه و افشاءگرانه پی‌نبرد. از طریق هیچ دادگاهی نمی‌شود از امپریالیستها خسارت گرفت. امپریالیسم تنها وقتی خسارت می‌دهد که خلقهای جهان کمرش را بشکنند. این است که مبارزه به ضد امپریالیسم مبارزه‌ای برای تحقق حقوق بشر؛ مبارزه‌ای برای پایان جنگ؛ مبارزه‌ای برای خاتمه جنایات جنگی و کشتار بشریت است. امپریالیسم به ویژه امپریالیسم امریکا هرگز دوست و یار خلقهای تحت ستم نیست. دادگاههای آنها نیز ابزارهای نوین استعماری‌اند. به‌هوش باشیم.

**برگرفته از توفان شماره 231 خرداد ماه [جوزا] ۱۳۹۸ - جون ۲۰۱۹**  
**ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)**  
[www.toufan.org](http://www.toufan.org)